

## مروری بر آراء و اندیشه های دکتر محمد سعید رمضان البوطی

مقدمه

به جرات می توان مدعی شد امروزه خطر جریان منحرفی همچون وهابیت،<sup>۱</sup> صرفاً مکتب تشیع را تهدید نمی کند بلکه این خطر عظیم، اهل سنت را نیز تهدید کرده و جامعه سنی مذهب را نیز با مشکلات عدیده ای ربه رو کرده است. بدین سان که خوانش انحرافی آئین وهابیت از مبانی و معارف دین، موجب شده است عده ای از جوانان اهل سنت، از مسیر مذهب تسنن فاصله گرفته و به جرگه پیروان محمد بن عبدالوهاب بپیوندند. از همین رو، علاوه بر علمای شیعی،<sup>۲</sup> عالمان متعددی از میان اهل سنت نیز به مبارزه علمی در مواجهه با انحرافات وهابیت پرداخته اند. به عنوان نمونه محمد سعید رمضان البوطی از جمله علمای سنی مذهبی است که بخش اعظمی از عمرش را صرف مبارزه علمی با وهابیون و مدعیان سلفیت کرده است. از آنجایی که معرفی چنین عالمان نو اندیشی موجب بیداری بیش از پیش جامعه اسلامی می شود لذا در ادامه ضمن اشاره مختصری به زندگانی محمد سعید رمضان البوطی، همچنین به برخی از تفکرات ایشان اشاره می شود.

الف: مروری مختصر بر زندگانی محمد سعید رمضان البوطی

محمد سعید رمضان البوطی از علمای اشعری و شافعی مذهب معاصر،<sup>۳</sup> در سال 1348 هجری قمری (1929 میلادی) در دهکده «جلیکا» واقع در غرب آناتولی ترکیه متولد شد. پدرش ملا رمضان البوطی از علمای کرد آن منطقه بود بدین جهت هنگامی که در حکومت آتاتورک بر ترکیه،<sup>۴</sup> سیاست های سکولاری رواج پیدا کرد،<sup>۵</sup> محمد سعید به همراه خانواده اش در سال 1934 میلادی به دمشق مهاجرت کرد.

در دمشق، تحصیلات مقدماتی را فرا گرفت و سپس به یادگیری علوم ریاضیات،<sup>۶</sup> تفسیر،<sup>۷</sup> منطق،<sup>۸</sup> کلام،<sup>۹</sup> اصول و فقه مشغول شد. کسب مهارت های علمی البوطی تا جایی پیش رفت که در سال 1956 میلادی، موفق شد به دانشگاه الازهر مصر وارد شود.

پدرش در ابتدا معتقد بود هرگونه فعالیت مذهبی برای کسب پول جایز نیست از همین رو محمد سعید،<sup>۱۰</sup> در کنکور آموزش و پرورش شرکت نمی کرد تا اینکه نظر پدر تغییر کرد و وی توانست در کنکور مذکور شرکت

کرده و به عنوان آموزگار شریعت، به استخدام آموزش و پرورش در آید.

محمد سعید در کنار تدریس، همچنین موفق شد در سال 1965 میلادی، مدرک دکترایش را از دانشگاه الازهر مصر دریافت کند. از همین رو تدریس دروسی همچون فقه مقایسه ای، مطالعات اسلامی، اصول فقه، عقاید اسلامی، سیره نبوی را در دانشگاه آغاز کرد. وی تا جایی پیشرفت کرد که توانست پس از مدتی، به ریاست دانشگاه دمشق برسد. [1] البته تدریس و انجام فعالیت های اجرایی و رسانه ای موجب نشد محمد سعید البوطی، از تالیف آثار و نوشته جات علمی غفلت کند. بلکه از وی حدود 60 عنوان کتاب به یادگار مانده است. در بخش بعد، اسامی برخی از نوشته جات محمد سعید رمضان البوطی ذکر می شود.

ب: برخی از تالیفات البوطی

همانطور که در بخش قبل نیز بدان اشاره شد، از محمد سعید رمضان البوطی، حدود 60 عنوان کتاب بر جای مانده است که برخی از این آثار عبارتند از:

1: الحکم العطائیه

2: الاسلام و العصر

3: اوربه من التقنيه الي الروحانيه

4: کبری الیقینیات الکوئیه

5: ام الانسان

6: مع روائع القرآن

7: تجزیه التریبه الاسلامیه

8: هذه مشكلاتهم

9: هذه مشكلاتنا

10: من الفكر و القلب

11: علي طريق العوده الي الاسلام

12: دفاع عن الاسلام و التاريخ

13: في سبيل الحق و الحق

14: الجهاد في الاسلام

15: السلفيه مرحله زمنيہ مبارکه لا مذهب اسلامي

16: اللامذهبيه اخطر بدعه تهدد الشريعه الاسلاميه

17: مقدمه اي بر كتاب «نصيحه لآخواتنا علماء نجد»

ج: مروري بر برخي از مهم ترين آراء و افكار البوطي

1: خروج بر عليه حكام مسلمان جايز نيست

يکي از مهم ترين اعتقادات البوطي که در آثارش به وضوح قابل مشاهده است، ممنوعيت خروج بر عليه حاکم مسلمان است. بدین سان که به عقیده وي، تا زمانی که حاکم جامعه اسلامي که از راه مشروع به حکومت رسیده است [2]، دچار کفر بواح و آشکار نشده باشد، نمی توان بر عليه او خروج کرد [3]. چرا که روایات متعددي خروج بر عليه حاکم مسلمان را ممنوع دانسته اند. به عنوان نمونه از رسول خدا (صلي الله عليه وآله) چنین نقل شده است: « مَن كره من اميره، شيئاً فليصبر، فانه من خرج علي السلطان شبرا فمات، مات ميتة جاهليه» [4]

روي سخن البوطي، طبيعتاً با تکفيري هايي است که به اندک بهانه اي، حاکم مسلمان منطقه را کافر

دانسته و لذا تصمیم می‌گیرند که بر علیه آنان خروج کنند.

2: تکفیر و کشتار اعوان و انصار حاکمان جوامع اسلامی نیز جایز نیست

البوطی در عبارت دیگری چنین تصریح کرده است: وقتی خروج بر حکام جوامع اسلامی تا هنگامی که کفر بواج از آنان سر نزند، ممنوع است از همین رو باید گفت: به طریق اولی، تکفیر و کشتار اعوان و انصار چنین حاکمانی نیز ممنوع می‌باشد. چنانکه ادله فراوانی بر این ادعا دلالت می‌کنند به عنوان مثال: از برخورد پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) با حاطب بن ابی بلعه (که از معروف‌ترین انصار مشرکین قریش بود)، مشخص می‌شود به مجرد اینکه شخص، حتی از اعوان و انصار مشرکین بوده است نمی‌توان وی را تکفیر کرده و سپس به قتل رسانید. [5]

3: آمریکا و کشورهای غربی به دنبال تجزیه مناطق مسلمانان هستند.

محمد سعید البوطی با بیان اینکه از تصریحات برخی از مقامات بلند پایه آمریکایی معلوم می‌شود که آنان راه چاره تسلط بر مسلمانان را در تجزیه کشورهای اسلامی دیده‌اند، می‌افزاید: از همین رو بروز اختلافات بین حاکمان کشورهای اسلامی و مسلمانان ساکن در این کشورها، بیش از همه، به نفع استعمار و غرب است. [6]

4: اعتراض البوطی به عقیده وها بیون راجع به زیارت قبور و تبرک جویی به آثار اولیاء الهی

محمد سعید البوطی در تقریظی که در ابتدای کتاب «نصیحه لخواصنا علماء نجد» [7] نگاشته است، به ممنوعیت‌هایی که وها بیون برای زیارت قبور بقیع و تبرک جویی به آثار برجای مانده از اولیاء الهی ایجاد کرده‌اند، شدیداً معترض شده و می‌نویسد: در عصر رسول خدا (صلي الله عليه وآله) و سلف امت، به آثار رسول الله (صلي الله عليه وآله) تبرک جویی می‌شده است [8].

5: وها بیت برخلاف سیره سلف امت، آثار برجای مانده از اولیاء الهی را تخریب کردند

البوطی در عبارت دیگری می‌نویسد: متأسفانه وها بیون، برخلاف آنچه در سیره سلف امت شاهد آن هستیم، بسیاری از آثار برجای مانده از اولیاء الهی را تخریب کرده‌اند تخریب منزلی که پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) در آنجا متولد شدند و همچنین تخریب منزل حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) از جمله

این تخریب‌ها به حساب می‌آیند. حال آنکه این آثار، در نزد مسلمین (ادوار مختلف) دارای شرافت و ارزش بوده است. [9]

6: روش‌ها بیون، به انشاق جهان اسلام ختم می‌شود

به عقیده البوطی، روشی که وهابیون آن را پی‌گرفته‌اند ختم به ایجاد شکاف و انشاق در جهان اسلام خواهد شد. البته راه حل مقابله با وهابیون از نگاه محمد سعید رمضان البوطی این است که علمای وهابیت را در مجمعی علمی جمع کنیم و با آنان طبق موازین دقیق، مباحثات علمی برگزار کنیم. [10]

7: نمی‌توان مخالفین خود را خارج از دین و بدعت‌گذار معرفی کرد

البوطی با بیان اینکه اختلاف نظر علمی، مسئله‌ای رایج حتی در صدر اسلام بوده است، تأکید می‌کند وقتی در مسئله‌ای علمی، اختلاف آراء پیش‌آمد، حق نداریم هیچ مجتهدی را گمراه، خارج از دین، بدعت‌گذار، منحرف از طریق سلف صالح بخوانیم. [11] حال آنکه وهابیون چنین بوده و مدعی‌اند که تنها وهابی‌مسلمانان بر حقند و تنها آنان هستند که بر عقیده سلف بوده و شیوه سلف را در فهم و اجرای اسلام بیان می‌کنند. [12]

8: هیچ‌یک از مسلمانان را نمی‌توان، تکفیر کرد

به عقیده محمد سعید البوطی، جایز نیست مسلمانی را که اهل قبله است و ارکان ایمان در اندیشه و دل او شکل گرفته را به خاطر ارتکاب گناهی کبیره یا صغیره، تکفیر کرد. [13] همچنین وی در جای دیگری نیز تصریح می‌کند: از آنجایی که حقیقت ایمان، امری پنهانی است که دیگران از آن اطلاعی نمی‌یابند بنابراین واجب است بر هر مسلمانی بر حسب ظاهری که دارد یعنی همان اسلام، برخورد شود. [14]

9: اهمیت وحدت جامعه اسلامی

البوطی معتقدست که وحدت بخشیدن به امور مسلمین، و گرد آوردن همه آنان بر محور هدایت و رشد، از مهم‌ترین اهداف و مبنای دین است. [15]

10: انکار امامت شیخین توسط شیعیان، از اسباب کفر نیست

در نگاه محمد سعید رمضان البوطي، با توجه به اینکه صرف انکار امری جماعی، موجب کفر انسان نمی شود، از همین رو انکار امامت شیخین توسط شیعیان نیز موجب نمی شود که بتوانیم آنان را تکفیر کنیم.

[16]

11: اخذ سلفیه به عنوان يك مذهب، بدعتی است که با پیروی از سلف، سازگاری ندارد

البوطي تصریح کرده است که ساختن مذهبی به نام سلفیه، که بر اساس تعصب به سلف امت، استوار است، خارج از پیروی از سلف است. [17]

12: چگونگی نامیده شدن وها بیت به سلفیه

البوطي مدعی شده است که واژه «سلفیه» در ابتدا توسط افرادی همچون: محمد عبده، جمال الدین اسدآبادی، رشیدرضا و عبدالرحمن کواکبی، آن هم در مصر استفاده شده است. البته برخلاف امروزه، شاهد آن هستیم که این شعار در آن زمان يك مذهب نبود. بلکه تنها يك دعوت بود. [18] تا اینکه وها بیون از آن جهت که نامیدن مذهبشان به وها بیت را نمی پسندیدند، مذهب خود را «سلفیه» نام نهادند. [19]

13: مبارزه البوطي با پدیده شوم «لا مذهبیت»

در ایامی که عده ای به هر روشی مدعی آنند که نباید از مذاهب اربعه تقلید کرد، محمد سعید رمضان البوطي، که بشدت با چنین طرز فکری مخالف بود، کتابی با عنوان «اللامذهبيه اخطر بدعه تهدد الشریعه الاسلامیه» تالیف کرد و در آن با استناد به ادله فراوانی، درصدد اثبات مشروعیت تقلید از مذاهب اربعه برآمد.

د: وفات محمد سعید رمضان البوطي

سرانجام شیخ محمد سعید رمضان البوطي عصر روز پنج شنبه 9 جمادی 1434 هجری قمری، در حال تدریس در مسجد الایمان در شهرک المزرعه دمشق، بر اثر انفجار بمب به شهادت رسید. [20]

با مطالعه آثار محمد سعيد رمضان البوطي به دست مي آيد كه وي از جمله عالمان سني مذهبي محسوب مي شود كه تلاش هاي فراواني را براي مبارزه با مدعيان سلفيت انجام داده است. از همين رو مطالعه آثار اين دانشمند معاصر، در جهت نقد افكار وهاييون و تكفيري ها، امري مفيد به حساب مي آيد.

[1]. افتخاري، اصغر، مباني نظري و عملي اندیشه سياسي محمد سعيد رمضان البوطي، چاپ شده در پژوهش علوم سياسي شماره 4، بهار و تابستان 86، صفحه 105 تا 137.

[2]. از نگاه اهل سنت و البته البوطي، حكومت حاكمي مشروعيت دارد كه از يكي از اين 3 راه به حكومت برسد:

«1: بيعت اهل حل و عقد با وي؛ 2: انتخاب توسط حاكم قبلي؛ 3: استيلاء و غلبه؛» البوطي، محمد سعيد، الجهاد في الاسلام، ص148، دارالفكر المعاصر بيروت- دارالفكر دمشق، چاپ اول، 1414هـ ق.

[3]. البوطي، محمد سعيد، الجهاد في الاسلام، ص147، دارالفكر المعاصر بيروت- دارالفكر دمشق، چاپ اول، 1414هـ ق.

[4]. همان، ص151.

[5]. همان، ص159 و 160.

[6]. همان، ص178.

[7]. نوشته يوسف بن السيد هاشم الزفاعي

[8]. مقدمه نصيحه لآخواننا علماء نجد، ص8 و 11.

[9]. همان، ص11 و 12.

[10]. همان، ص14.

[11]. البيوطي، محمد سعيد، السلفيه مرحله زمنيه مبارکه لا مذهب اسلامي، ص20 و 21، دارالفکر المعاصر بيروت - دارالفکر دمشق، چاپ چهاردهم، 1431هـ.ق.

[12]. همان، ص236.

[13]. همان، ص100.

[14]. همان، ص105.

[15]. همان، ص102.

[16]. همان، ص107.

[17]. همان، ص221.

[18]. همان، ص234.

[19]. همان، ص236.

[20]. مجله سراج منير، شماره 21.

منبع: <https://www.alwahabiyah.com/fa/Mostabserview/36540>